



فلزکاری سلجوقی هنری اسلامی باهویت ایرانی

مهدی رازانی*، حمیدرضا بخشنده فرد**، اصغر توکلی***
*دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت آثار تاریخی و فرهنگی،
دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان yahoo.com@mehdi_razani
**هئیت علمی گروه مرمت دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده مرمت

چکیده

نقش ترکان سلجوقی در تاریخ هنر ایران به نحوی سامان یافته که اغلب تاریخ دانان و متخصصین هنر، عصر حکومت آنان را اوج هنرهای اسلامی ایران در طول چهارده قرن گذشته دانسته اند. اگرچه گستره‌ی امپراطوری سلجوقی از چین تا اندلس را در بر گرفته بود، اما به سبب زندگی پیشین کوچ رویشان هنر قابل ملاحظه‌ای نداشته اند. در همین راستا مرکزیت فرهنگی ایران در آن عصر باعث شد کلیه خط مشی های هنری خود را از ایران گرفته و با حمایت های خود آثار بسیاری در غالب معماری، صنایع مستظرفه و... تولید و به سر حد کمال برسانند. از جمله هنرهایی که در این دوره توانسته شکوفایی عصر فرهنگی دوره ی سلجوقی را در هنر ایران به نحو شایسته ای در خود جای دهد، فلز کاری بوده است. در این دوره فلز کاری با قالب ایرانی-اسلامی اش در شهرهایی مانند هرات، مرو، ایالات خراسان قدیم و همچنین، اصفهان به اوج خود رسید. به نحوی که شکوه آن را در مکتب فلز کاری خراسان می توان بررسی نمود. در این نوشته به بررسی ویژگی های هنری فلز کاری عصر سلجوقی، فلزات مورد استفاده، روش های متداول تزئین اشیاء فلزی و بررسی و تقسیم بندی گستره ی نقوش به کار رفته در آن پرداخته شده است.

کلید واژگان: اسلام، هنر فلز کاری، سلجوقی، مکتب خراسان، اشیاء فلزی

مقدمه

ظهور اسلام، هنر و صنایع هنری را دچار تغییر و تحول عمده ای کرد و تقریباً کلیه ی قالب های هنری گذشته را خصوصاً در ایران دگرگون ساخت. در دوره ی اسلامی، صنایع هنری از اختصاصی بودن به دربار بیرون آمده و غالباً در خدمت پیشبرد اهداف دینی قرار گرفت. در عین حال اشیاء هنری و صنعتی به گونه ای ساخته می شدند که با روح معنوی دین اسلام سازگاری داشته باشند. فلز کاری با پیشینه ی خود در قبل از اسلام بسیار فاصله گرفت و در طول چند سده، تغییرات بسیار عمده ی کرد. این دگرگونی ها را می توان در ساخت ظروف و آلات جدید، ابداع فرم های نو و بی سابقه، تغییر و گسترش فلزهای مورد استفاده، نوع تکنیک کار و استفاده از عنصر جدید خط عربی به عنوان نوعی تزئین در اشیاء فلزی مورد بررسی قرار داد.

هنر فلز کاری ایران در طول دوره های ظهور و فرود حکومت های پادشاهی به مسیر خود ادامه داده و در بعضی دوره ها دچار تحولات عمده ای شده است که از آن جمله می توان به دوران حکومت سلجوقیان ترک اشاره کرد. این قوم با آن که از طوایف چادرنشین بودند و هنر شاخصی از خود نداشتند، با حمایت از هنرمندان و صنعت گران که در موارد بسیاری

جنبه ی سیاسی داشت، باعث باروری شیوه ی مستقلی در هنر ایران گشتند که امروزه به مکتب سلجوقی معروف است. در میان تمام جنبه های هنری مکتب سلجوقی، فلز کاری آن چنان شاخص است که بسیاری از هنرشناسان آن را اوج فلز کاری در تمام دوران های هنر اسلامی ایران می دانند. از این دوره است که سبک و شیوه ی خاص فلز کاری اسلامی که برگرفته از سنت های گذشته، آمیخته با روح دین اسلام است شیوه ی مستقل و ویژگی های اختصاصی خود را می یابد.

اگرچه آثار زیادی از فلز کاری سلجوقی ایران به دست آمده ولی هنوز راجع به این صنعت تحقیق جامعی صورت نگرفته است. اما باید در نظر داشت که مطالعات هنر اسلامی نیز در میان مطالعات سایر دوره های تاریخ هنر سابقه ی زیادی ندارد. «بر همین منوال، هنر دوره ی سلجوقی نیز به طور جدی نمی توانسته مورد پژوهش قرار گیرد. هم چنین کاوش های غیر قانونی یک صد سال اخیر در ایران که نظیری در سایر کشورهای جهان اسلام ندارد، (را نمی توان در نظر نگرفت به نحوی که) تصویر نامتعارف و تحریف شده ای به خصوص در زمینه ی فلز کاری ارائه داده است» (بازوت و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). این تصویر نامتعارف امروزه با آثار جعلی که از فلز کاری سلجوقی هر روز بیش از پیش تولید می-شوند، مخدوش تر شده است. در همین راستا جای مطالعاتی روش مند در سبک شناسی و فن شناسی آثار فلز کاری سلجوقی

در میان مطالعات تاریخ هنر و صنایع هنری ایران ضروری به نظر می رسد. در این نوشته که مقدمه ای بر هنر فلز کاری سلجوقی است، به بخش مطالعات سبک شناسانه ی هنر فلز کاری سلجوقی پرداخته شده است.

سلجوقیان، حامیان هنرهای با شکوه

«سلجوقیان در اصل از طوایف چادر نشین و صحراگرد ترکمن از نواحی قرقیز در آسیای مرکزی بودند که در اوایل سده ی پنجم ه.ق با تصرف قسمت اعظمی از ماوراءالنهر حکومت خود را پایه گذاری نمودند و در طی چند دهه تمامی نواحی تحت اشغال غزنویان در خراسان قدیم را ضمیمه ی تصرفات خود کردند. با ادامه ی پیشروی ها در منطقه ای وسیع، بالاخره طغرل بیک در سال ۴۴۷ ه.ق، بغداد را تصرف کرد و به صورت رسمی، امپراتوری سلجوقیان را پایه گذاری نمود» (هیلن براند، ۱۳۸۶، ص ۸۵). «روی کار آمدن سلجوقیان به پایتختی ایران چهار رویکرد اساسی در پی داشت که توسعه ی هنرها را نیز تحت تأثیر قرار داد:

- ۱- تعادل موازنه بین گروه های نژادی و زبانی
- ۲- تجزیه ی قدرت سیاسی در چهار چوب خلافت عباسی
- ۳- تجدید حیات تسنن و تهدید تشیع و شکوفایی تصوف
- ۴- توسعه و گسترش زبان فارسی و آداب و سنت های ایرانی» (بازوت، همان، ص ۱۱).

سلاجقه بعد از به قدرت رسیدن و گسترش فرمانروایی خود، از آسیای مرکزی تا ماصربا باعث نوعی نوزایی و رنسانس علمی-هنری در جهان اسلام و خصوصاً ایران شدند. در این زمان فضای علمی، سیاسی و فرهنگی ایران با ظهور شخصیت های نادره ای همچون خواجه نظام الملک در سیاست و کشورداری، حکیم عمر خیام، خاقانی، نظامی گنجوی و... در ادبیات، محمدحسن صباح فیلسوف دانشمند و مبارز، ناصر خسرو و قبادیانی، امام محمد غزالی و... بستری مناسب برای رشد و تعالی علمی، فرهنگی، هنری فراهم شده بود.

فضای فرهنگی جامعه، باعث گردید تا سلاطین و ثروتمندان همواره حامی و پشتیبان هنرمندان و صنعت گران باشند. این حمایت های گسترده در بیشتر موارد اهداف سیاسی به دنبال داشت اما موجب ظهور سبک و شیوه ی خاصی در هنرها و صنایع شد، که بعدها محققین هنر اسلامی آن را مکتب سلجوقی نام نهادند. مکتب سلجوقی در محدوده ی امپراتوری آنان با ویژگی های شاخص نسبت به دوره های قبل و بعد از خود در اکثر زمینه های هنری متجلی شد.

در ایران با ظهور این مکتب که نمود ویژه ی آن در ایالات خراسان و اصفهان شکوفا گردید، تحولات هنری زیادی در عرصه های معماری، فلز کاری، سفال گری، شیشه سازی، نساجی و... بروز کرد. بسیاری از هنرها نسبت به دوره های قبل بسیار کامل تر شد و در اغلب هنرها و صنایع ابداعاتی حاصل شد، که در دوره های بعد مورد توجه هنرمندان و صنعت گران در اقصی نقاط جهان قرار گرفت.

«در تمامی هنرها و صنایع عصر سلجوقی، عنصر یا منبعی که خارج از تأثیرات فرهنگی و هنری ایران باشد نمی توان پیدا کرد؛ با این که

سلجوقیان ترک بودند، اما مشکل بتوان در این دوره از عناصر ترکی در هنر ایران و ایالات شرقی آن سراغ گرفت. این نکته بیان کننده ی تسلط و غلبه ی هنر ورزان ایرانی، بر هنرهای تجسمی است» (بازوت، همان، ص ۱۶۰).

«مراکز مهم حکومتی سلجوقیان در این دوره مرو، نیشابور، ری و اصفهان به همراه شهر های دیگری هم چون همدان، سجستان، هرات و سرزمین های عراق به ویژه موصل و سوریه بوده اند که اغلب این مناطق در این دوره مراکز مهم فلز کاری محسوب می شده اند» (حلی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۶).

«در این عصر، فلز کاری و ساخت مصنوعات فلزی و ظرف به بالاترین کیفیت، رواج و رونق خود دست می یابد و استان خراسان در این زمینه، گوی سبقت را ربوده و مقام ممتازی در فلز کاری کسب می کند. شاید علت این تقدم آن است که خراسان، در دوره ی سامانیان (۲۶۱-۳۸۹ ه.ق) بزرگ ترین مرکز تهیه و ساخت ظروف برنزی و تزئین آن ها به صورت و اشکال مطابق روش ایرانی قدیم یا روش ساسانی بوده است، امروزه در بعضی از موزه ها و مجموعه های آثار باستانی مقدار زیادی از این آثار فلزی موجود است، بر روی آن ها بعضی از صور و نقش و نگاره های سبک های ما قبل اسلام دیده می شود. تنها به سبب بعضی اضافات و نکات دقیقی که در این آثار موجود است کارشناسان به ماهیت و زمان ساخت آن ها پی می برند» (محمدحسن، ۱۳۶۶، صص ۱۵-۱۶). عصر سلجوقی عصر، طلایی پیشرفت فنون، صنایع و هم چنین اوج هنر اسلامی و صنعتی ایران، خصوصاً فلز کاری بوده است.

این در حالی است که فلز کاری اسلامی ایران ادامه ی هنر دوران ساسانی بود. با این اختلاف که چون استفاده از فلزات گران بها در ساخت ظروف و اشیا ظاهراً در اسلام منع گردیده بود. صنعت گران هنرمند دست به کار ساختن ظروف و اشیا از فلزات و آلیاژهای دیگر چون مفرغ، برنج و آهن شدند. نگرش در قالب دینی و تغییر در مواد مورد استفاده، باعث ترقی این صنعت خصوصاً در ایالات شرقی ایران شد.

«در اغلب هنرهای اسلامی، استاد کاران هر پیشه از نسلی به نسلی دیگر در مراکز معینی گرد هم می آمدند و در نتیجه شهرهایی به داشتن تولیدات یا دست ساخت های خاص شهرت می یافتند. به طور مثال نام شهرهای زیر در قرون وسطا به عنوان مراکز انواع فلز کاری مجزا از هم ضبط تاریخ گردیده است. در سده ی چهارم ه.ق بخارا به خاطر مفرغ کاری و روی گری، سمرقند و مرو برای مس گری، همدان برای قلع گری اعلا، در سده ی پنجم ه.ق هرات برای نقره نشانی تزئینی بر روی مفرغ و برنج بسیار شهرت یافته اند. در این میان بعضی شهرها نیز به ساختن نوعی ابزار آلات صنعتی خاص شهرت داشته اند، همانند اصفهان که شهرتش در تولید اسطرلاب های نفیس از مرزهای ایران در گذشته، بوده است. در این مورد گرچه سندی معتبر در دست نیست لیکن به کارگیری مکرر نسب «اصفحانی» بر روی اسطرلاب های امضادار تقریباً این امر را مسلم می کند که در سده ی ششم ه.ق اصفهان مرکز عمده ی اسطرلاب سازی بوده است» (کونل، ۱۳۶۸، ص ۸۹)

هنر فلز کاری در عصر سلجوقی

«با گذشتن چهار قرن از حاکمیت اسلام بر ایران، به تدریج در هنر فلز کاری از نظر شکل و تزئینات، تغییراتی پدید آمد. به این ترتیب هنر فلز کاری در منطقه ی خراسان به وضوح، پیشرفت کرد و ویژگی های خاص خود را یافت و مکتب فلز کاری خراسان به وجود آمد. این مکتب، در دوره ی سلجوقی به اوج خود رسید» (لک پور، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

«در این دوره فلز کاری، از شکوفایی و توسعه ی ویژه ای برخوردار شد؛ به نحوی که این فن همیشه در سطح بسیار والایی از کیفیت ساخت قرار داشت و اهداف هنری منحصر به فردی را محقق می نمود. این اهداف اغلب با تعداد بی شماری از ظروف فلزی و مخصوصاً آن هایی که در خراسان تولید می شد، حاصل گشت. تعدادی از این آثار دارای تاریخ و امضا و یا امضاهای ریخته گران، تزئین کنندگان و کار ورزان چیره دست می باشند» (کاتلی و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۳۷).

«بیشتر فرآورده های فلزی که در عصر سلجوقی در ممالک اسلامی و ایران ساخته شده از مس و آلیاژهای آن مفرغ و برنج می باشند. با این همه، آلاتی که دارای درصد مس بیشتری در خود بوده اند و ارزش نمایشی بیشتری داشته اند معمولاً مورد توجه صنعت گران و هنرمندانی چون قلم زن، کنده کار و... قرار می گرفته اند. اغلب آثار این عصر از ادوات مسی است که با فلزات گران قیمتی همچون طلا و نقره مرصع شده اند و تا حد امکان در زینت دهی آنها کوشیده اند. بسیاری از این فرآورده ها برای مصرف روزانه ی مردم ساخته نشده اند. به نظر می رسد بیشتر برای صاحب منصبان و ثروتمندان تهیه می شدند و کاربرد تشریفاتی داشته اند. با آن که هنر فلز کاری سلجوقی، مدیون هنرمندان ایرانی است، اما در همین دوره سبک مستقل دیگری به نام سبک موصلی پا به عرصه ی وجود نهاد و تعداد بی شماری ظروف فلزی دو پوسته را که در شمار بهترین آثار هنر فلز کاری اسلامی می باشند، به وجود آورد. برخی از ظروف مسی و نقره کاری متعلق به اوایل سده ی ۷ه.ق را می توان متعلق به سبک موصلی دانست که در اغلب موارد، آن ها امضای سازنده را بر خود دارند. فن موصلی یا فن دو-پوسته سازی تا زمان ایوبیان به حیات خود ادامه داد» (آیت الله زاده ی شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۲).

«هنوز در مطالعات آثار فلزی سلجوقی به طور منظم از ارزیابی های منابع کتابخانه ای استفاده می شود. مثلاً شواهدی که از آلیاژ فلزات و آزمایش آن ها به دست می آید، باید در کنار سایر عوامل همانند شکل و تزئین قرار گیرد که بتواند تصویری گویا و متقاعد کننده از انواع مختلف آثار هنری به دست دهد. در وضعیت کنونی دانش ما از این امر، بهتر است گفته شود که ظروف ساخته شده از ورق های فلزی، بیشتر ظروف برنزی را در بر می گیرند، در حالی که آثار فلزی دیگر از آلیاژهای چهار گانه تولید شده اند؛ کاربرد برنزه های خالص و

واقعی متداول نبوده و فلزات کم بها به ناچار جای فلزات با- ارزش را می گرفت، ولی ارزش این نوع فلزات با ترصیع مس، نقره و طلا و ماده ی سیاه قیردار بالا می رفت. تعداد بی شماری از آثار ترصیع شده به واسطه ی مهارت و کیفیت ساختشان همچنین بدان سبب که فلز آن ها چندان نفیس و ارزشمند نبوده که به کار ذوب آید برجای مانده است» (بازوت، سلجوقیان، همان، ص ۱۵۸).

فلزات مورد استفاده در عصر سلجوقی

فلزات عمده ی مورد استفاده در عصر سلجوقی همانند دیگر دوره های بعد از اسلام بودند. طلا، نقره، مس، آهن، سرب و قلع همگی توسط فلز کاران خاورمیانه تا قبل از دوره ی اسلامی به خوبی به کار برده می شدند. فلز کاران دوره ی اسلامی تنها فلز «روی» را به صنعت فلز کاری اضافه کردند. روی که قبل از آن کم تر به شکل آلیاژ در آمده با مس، به عنوان برنج به کار برده می شد، در این دوره مورد توجه بسیاری قرار گرفت و اشیای بسیاری ساخته شده از آلیاژ برنج مورد استفاده واقع شدند؛ زیرا در دوره ی اسلامی برنج جانشین خوبی برای طلا محسوب می شد.

فلزات، معمولاً به شکل آلیاژها با هم ترکیب می شدند که متداول ترین آن ها برنج بود. این آلیاژ مورد پسند، برای ساخت اشیای ظریف و زیبا در دوران اسلامی استفاده می شد، اما این فلز آسیب پذیر بوده و زنگار می گرفت؛ همچنین باعث ابتلا به بیماری سمی، خطرناک و بدبو می شد که به وسیله ی مایع و مواد اسیدی تشدید می یافت؛ بنابراین این فلز برای ظروف غذاخوری و آشپزخانه مناسب نبود، مگر اینکه با لایه ای محافظتی نظیر روکش نازکی از قلع پوشانده می شد. با این وجود مناطقی خاص در ساخت ظروف فلزی، با میزان قلع بالا (سفید روی) مهارت داشتند. (مس آلیاژ شده با ۲۰ تا ۳۰٪ قلع) این نوع برنز، گران تر از برنج بود، زیرا قلع آن وارداتی و کار با این فلز فشرده، دشوار بود. برنز هم چنین به سبب خواصی چون جلوه ی نقره ای و ایمنی اش در مقابل زنگار، ارزش داشت» (وارد، ۱۳۸۴، صص ۲۸-۲۹).

«در دوره ی اسلامی (و به تبع آن عصر سلجوقی) از آهن برای ساختن ظروف استفاده ی چندان نشده و این فلز اغلب برای ساختن ابزار و ادوات جنگی، قفل، کلید و یا قاب پنجره به کار گرفته شد» (لک پور، همان، ص ۱۲).

«آهن و فولاد، هر دو فوق العاده در برابر خوردگی و پوسیدگی حساس و مستعد هستند و نمونه های کمی از این فلزات، مربوط به سده های میانی باقی مانده است. همانند برنز با درصد قلع بالا، در نزد اهل فن، فلز فولاد نیز ارزش بسیاری داشت. قلقشندی (مورخ مملوکی) هنگامی که از موارد مورد علاقه ی خوشنویسان برای قلمدان هایشان صحبت می کند،

می نویسد: «برنج بیشتر از تمام فلزات استفاده شده و فولاد با توجه به نادر و گران بها بودنش کمتر به کار رفته ولی با



ت. ۳- سینی نقره ای، با کتیبه ای به نام آلب ارسلان. قطر ۱۴۱ سانتی متر، موزه ی هنری بُستن

فنون تولید و ساخت اشیای فلزی در عصر سلجوقی

روش های ساخت و تولید اشیای در این دوره را همانند دوره های قبل می توان به سه بخش متفاوت و اساسی تقسیم کرد:

۱- روش دواتگری، چکش کاری با «اشیای ساخته شده از ورقه های مس، آهن، برنج و به ندرت از طلا و نقره

۲- روش قالبی و روش ریختگی با اشیای ساخته شده از مفرغ، برنج و به ندرت از مس و احتمالاً طلا و نقره» (احسانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴).

۳- اشیای ترکیبی ساخته شده از دو تکنیک قبل «اشیای دسته ی اول آن هایی را شامل می شود که از ورق های فلزات با خم کاری، صاف کاری و چکش کاری به صورت سرد شکل داده می شوند و فرم مطلوب و مورد نظر از آن ها ساخته می شود. از اوراق فلزی در ساخت ظروف مسطح و گرد، سینی ها، جعبه ها، قدها، تنگ ها، لگن ها و... استفاده می کرده اند. در اشیای ریختگی مانند جام های مختلف، آوند ها، آینه ها، عودسوزها، مجسمه ها و... فلز را ذوب کرده و پس از ریختن در قالب مخصوص به فرم دلخواه و مطلوب در می-آوردند.

ریخته گری معمولاً به دلایل علمی و سودمند در کارگاه صورت می گرفت و مستلزم قطعات سنگین و دست و پاگیر از وسایلی شامل کوره و دم هایش، چرخ آهنگری، چرخ تراش برای پرداخت شیء و تعدادی صنعتگر متخصص بود. اما در عین حال سفارش هایی ویژه نیز به وسیله ی ریخته گران سیار پذیرفته می شد» (وارد، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

«ریخته گری با اشیای برنزی و تزئینات برجسته، مانند آینه و الواح با اشکال حیوانات در زمان سلاجقه در ایران و عراق رایج بوده است. از نمونه های این دوره آینه های کوچکی است که در پشت آن ها ابوالهول ها و کتیبه هایی به خط کوفی نقش می گردید. تاریخ ساخت این اشیاء، در حدود قرن ششم است. به احتمال قوی محل ساخت آن ها ایران بوده است» (دیماند، ۱۳۶۵، ص ۱۳۹).

ارزش و پرهزینه تر از همه است. امتیاز ویژه ی فولاد مانند بالاترین درجه و مقام در انتصاب دولتی مثل وزیر و مراتب مشابه است» (وارد، صص ۲۸-۲۹).

«فلزکاران عصر سلجوقی استثنائاً ظروف و اشیایی از طلا و نقره با نقوش و تصاویر انسان و جانوران جهت بزرگان و امیران می ساختند. ولی از این اشیاء تعداد زیادی باقی نمانده است. (تصویر ۲) از آن جمله، مجموعه ی اشیاء نقره ای در دست است که دارای اشکال متنوعی می باشند و در بین آن ها قاشق، گلاب پاش، قلاب کمر بند، فنجان، سینی، آفتابه و به علاوه زنجیرهای ظریف نیز دیده می شود. معروف ترین ظروف نقره ای زمان سلجوقی سابقاً متعلق به مجموعه ی هراری بوده و اکنون در موزه ی عرب، واقع در قاهره می باشد. اما برجسته ترین ظرف نقره ی سراسر دوره ی اسلامی و مهم ترین اثر برجسته که از زمان سلجوقیان باقی مانده است، بشقاب نقره ی مشهور آلب ارسلان (تصویر ۳) است. این ظرف نازک و کم عمق دارای کتیبه ای به خط کوفی است و از آن معلوم می شود که سازنده ی ظرف، حسن کاشانی، آن را در سال ۴۵۹ ه.ق از جانب ملکه برای همسر بزرگوار او ساخته شده است» (پوپ، ۱۳۸۰، ص ۸۵).



ت. ۲- پارچ نقره ای مطلاً با نقش پرنده، قرن ۶ یا ۷ ه.ق احتمالاً خراسان (<http://depts.washington.edu>)

اشیای ترکیبی، آن دسته از ظروف و آلاتی را در بر می گیرند که از قسمت های جدا از هم، تشکیل شده و از طرق مختلف به هم متصل گشته اند، مانند اشیایی که در قسمت پایه ی ریختگی هستند و قسمت بدنه از ورق فلزی ساخته شده اند و به وسیله ی لحیم کاری، پرچ کاری و دیگر اتصالات مکانیکی به هم متصل شده اند (تصویر ۳).



ت.۴- گونه شناسی برخی آثار فلزی در عصر سلجوقی (Tabbaa, 1987. P 100)

روش های متداول تزئین اشیای فلزی در عصر سلجوقی

الف- روش قالبی: در این روش، نقوش تزئینی که در قالب شکل گرفته اند و غالباً نقوش هندسی و گاه کتیبه ها و... هستند، در روند قالب ریزی بر روی شیء حک می شوند. کیفیت کار در این روش به دقت و توانایی شخص صنعت گر و آلیاژ مورد استفاده بستگی دارد.

ب- قلم زنی: خود به چند دسته تقسیم می شود که عبارتند از:

۱- جنده کاری (برجسته کاری)

۲- حکاکی

۳- مشبک کاری

۴- ترصیع

۵- سیاه قلم

۶- میناکاری

قلم زنی: از جمله هنرهایی که از گذشته دور تا کنون، بدون تغییرات زیاد، در تکنیک و شیوه ی اجرا باقی مانده و در ایران از سابقه ای بسیار طولانی برخوردار می باشد، قلم زنی را می توان نام برد. به طور کلی قلم زنی، نوعی کنده کاری و برجسته کاری روی اوراق فلزی است که با در نظر گرفتن نقش تزئینی مورد نظر بر روی شیء توسط قلم زن اجرا می شود. در تاریخ فلز کاری ایران نمونه های بسیاری موجود است که در آن ها می توان رواج هنر قلم زنی را مشاهده کرد. در این میان مجموعه ی ظروف و بشقاب های نقره ای و طلای عصر ساسانی که به دست استادان ایرانی قلم خورده است و بیشتر صحنه های زندگی بزمی و رزمی سلاطین این سلسله و اشراف را در خود دارند و امروزه زینت افزای موزه های جهان

می باشند، در دوره ی اسلامی و خصوصاً عصر سلجوقی، ساختن اشیای مسی و مفرغی که روی آن را به وسیله ی قلم زنی تزئین می نموده اند، بسیار متداول گشت. هنر قلم زنی سلجوقیان در بیشتر موارد، فرورفتگی و برجسته کاری ندارد. سطوح کار صاف است و بر روی آن تنها خراش یا خط ایجاد کرده اند. از این دوره، ظروف و اشیای گوناگون از فلزات با ارزش هم چون نقره و آلیاژهای مختلف مس به جای مانده است.

۱- جنده کاری (برجسته کاری)

این روش نوعی قلم زنی است که با ایجاد فرورفتگی و برجستگی بر روی ورق های فلزی و اجرای نقوش برآمده انجام می شود. در این روش که در اصطلاح به آن برجسته کاری نیز گویند، به وسیله ی ضرباتی که از پشت به وسیله ی چکش و قلم های ویژه وارد می کنند و هم چنین فرو بردن مناطق اطراف نقوش طرح را برجسته می کنند. معمولاً استاد کار برای تکمیل کار، هر دو طرف شیء را قلم زنی می کند. در این صورت بعد از اتمام قلم زنی یک روی کار، قیر آن را پاک کرده و روی دیگر شیء را قیر اندود می کند و عمل قلم زنی را انجام می دهد.

۲- حکاکی

«عبارت است از هنر ایجاد نقوش ساده، سطحی و کم عمق بر روی انواع فلزات با ابزاری ساده، هنر حکاکی بیشتر بر روی فلزات نقره و مس و بعضاً برنج انجام می شود که به خاطر سطحی بودن نقوش، اثر قلم یا وسایل نوک تیز و خراشیده در پشت سطح کار حکاکی دیده نمی شود» (سید صدر، همان، ص ۷۲۲). به عبارت دیگر کنده کاری و نقر فلزات نرم تر توسط قلم حکاکی. در این شیوه بخشی از فلز در محل ایجاد نقوش از سطح جدا شده و جای خالی آن نقش مورد نظر را به وجود می آورد. این برخلاف قلم زنی است که فلز از سطح اصلی جدا نمی شود بلکه جابه جا می شود.

۳- مشبک کاری

«مشبک کاری نوعی قلم زنی است که در آن فضاهای منفی طرح مورد نظر خارج می شوند تا طرح اصلی به صورت مشبک بر سطح ظرف یا شیء باقی بماند. عمل مشبک کردن اشیاء و ظروف با برداشتن و کندن قسمت هایی از طرح مورد نظر انجام می شود.» (سید صدر، ابو القاسم، ۱۳۸۴، ص ۸۰۲) این عمل معمولاً به کمک قلم های نوک تیز و ضربات چکش انجام می شود. البته لازم به ذکر است که مشبک را در گذشته به روش قالب ریزی نیز اجرا می کردند، اما معمولاً طرح ضخیم می شده و ظرافت کمتری داشته است. دامنه ی مشبک کاری بر روی فلز در دوره ی سلجوقی بسیار وسیع است و می توان گفت از ابداعات صنعت گران خراسان یا اصفهان است. فلز کاران ایرانی مشبک کاری را با مهارت تمام در تزئین و ساخت ظروف فلزی به کار گرفته اند، از جمله اشیای مشبک کاری شده در دوران سلجوقی می توان وسایلی از قبیل فانوس ها، قندیل های پرنقش و نگار مسی و برنجی، انواع بخوردان و عودسوز به شکل حیوانات، شمعدان و منقل ها را برشمرد. امروزه مشبک به وسیله ی اره های فلزی و اسید نیز اجرا می شود که این دو مورد، زیر مجموعه ی قلم زنی نیستند (تصویر-۱).

۴- ترصیع

به طور کلی ترصیع در فلزات به دو گونه ی متفاوت اجرا می شده است:

۱- جواهر نشانی: که عبارت است از نصب و اتصال سنگ ها و گوهر ها و... بر روی فلز با تعبیه ی فریم و کادرهایی که معمولاً گوهر ها در آن قرار گرفته بر روی شیء لحیم کاری می شدند.

۲- کوفی گری: که عبارت است از نصب و الصاق فلزاتی هم چون طلا، نقره، مس و آلیاژهای آن ها (به صورت سیمی یا ورقه ای) در داخل قسمت های کنده کاری و خراشیده شده ی فلز، به وسیله ی ضربات چکش با پیروی از نقش و طرح قبلی. (اگر فلز مورد ترصیع طلا باشد به آن طلاکوبی گویند و اگر نقره باشد به آن نقره کوبی اطلاق می شود.)

دو شیوه مهم در کوفی گری فلزات دوره ی اسلامی عبارتند از:

کوفی گری سیمی: در کوفی گری سیمی شیپارهای ریزی در سطح فلز به نرمی با قلم یا ابزار خراشنده ایجاد می کردند و فلزاتی از قبیل طلا و نقره و مس را که قبلاً به صورت سیم های نازکی درآمده بود در داخل این شیپارها قرار داده و با ضربات چکش به صورت کنترل شده به داخل فرو رفتگی ها و گودی های سطح وارد می کردند.

کوفی گری ورقه ای: در این روش، اوراق فلزی کم ضخامت خصوصاً از نقره را مطابق با طرح بریده، در مکان مشخص قرار داده و لبه های سراسر آن، به وسیله ی ضربات چکش با انحنای ویژه بر روی شیء نشانده (و در اصطلاح یخ) می شد. اوراق نازک فلزی معمولاً با جزئیاتی از طرحی بسیار ظریف قلم زنی می شده است. روش ورقه ای نسبت به روش سیمی از دوام کمتری برخوردار است (نمونه های شاخصی از این تکنیک در هنر فلز کاری ایران در پیش از اسلام نیز وجود دارد (تصویر ۵)).



۵- کاسه ی سر پوش دار واسوسکوالی از ارتفاع ۲۱/۵ سانتی متر، خراسان / سده ی ششم (وارد، ۱۳۸۴، ص ۵۹)

۵- سیاه قلم

سیاه قلم در واقع نوعی تکنیک تکمیلی تزئین در فلز کاری است که سابقه ای بسیار طولانی دارد، اما در دوره ی اسلامی خصوصاً در فلز کاری مورد بحث این رساله از آن به وفور استفاده شده است و به طور کلی عبارت است از استفاده از مواد تیره رنگ در قسمت هایی ما بین فضای قلم زنی، حکاکی یا ترصیع شده و سطح فلز به هدف ایجاد کنتراست و تضاد رنگی برای بازنمایی جلوه ی درخشان نقوش

نسبت به زمینه ی کار. سیاه قلم کاری را با موادی از قبیل قیر، انواع رنگ به همراه صمغ درختی و دوده انجام می دهند.

۶- مینا کاری

امروزه تکنیک مینا در تزئینات فلزی عبارت است از استفاده از اکسید های فلزی برای ایجاد نقوش تزئینی بر روی اشیا به نحوی که اکسیدهای فلزاتی از قبیل قلع و مس و... را به صورت لعابی در می آورند و بعد از نقاشی بر روی فلز آن را در کوره پخت می کنند. بدین وسیله اکسید های فلزی به سطح چسبیده و طرح ها به صورت رنگی و ثابت بر روی فلزات نقش می بندند. لازم به ذکر است در بعضی منابع^۲ راجع به ساخت ظروف مینایی و کیفیت آن ها در دوره ی سلجوقی اشاراتی شده است، اما به علت نبودن مثال های عینی برای سنجش اعتبار این متون نگارنده از ذکر و شرح آنها خودداری می کند.

نقوش تزئینی اشیای فلزی در عصر سلجوقی

آرتور ایهام پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران در مورد روش های ساخت و ساز نقوش بر روی ظروف می نویسد: «دو روش مخالف و یا مکمل یکدیگر همیشه در ایران رواج داشته است، یکی آن که سطح فلز را با طرح ها و نقوش متعدد کاملاً بپوشانند و به این وسیله ظرف را زیبایی و تجمل بخشند و دیگر این که زمینه را باز و ساده بگذارند تا نقش را برجسته تر نشان دهند. بعضی از این زمینه ها را چنان صیقلی و براق می کردند که نظیر کارهای مفرغی دوره ی رنسانس است» (پوپ، همان، ص ۸۶).

بر روی اشیا و ظروف عصر سلجوقی انواع نقوش و تصاویر با تکنیک های مختلف اجرا می شده است که شناسایی و تفکیک آن ها به مطالعه و پژوهش تصویری زیادی نیاز دارد، اما اگر بخواهیم رایج ترین این نقوش را که در مکتب خراسان و ایران از آن ها به وفور استفاده شده بر شماریم عبارتند از:

- ۱- استفاده از نقوش متراکم، اسلیمی و پیچک های تزئینی در زمینه به همراه واگیره های تکرار شونده
- ۲- استفاده ی فراوان کتیبه ها
- ۳- استفاده از خورشید صورت انسانی به همراه صور فلکی
- ۴- نقوش حیوانات بال دار، ابو الهول ها و جانوران ترکیبی
- ۵- استفاده از نقوش انسانی در صحنه های مختلف (نوازندگان، نوشندگان، سوارکاران، صحنه های شکار، صحنه های جلوس بر تخت، صحنه های اساطیری، صحنه های داستانی) (تصویر ۶)
- ۶- نقوش حیوانات در حالت های مختلف به صورت قرینه، در تعقیب و گریز، پشت سر هم در انواع وحشی و اهلی (حیوانات شاخص از نظر حجم استفاده در نقوش عبارتند از: گربه سان ها و خصوصاً شیر، روباه، پرندگان، خرگوش ها با گوش های دراز، بز، اسب، شتر و...)
- ۷- استفاده از نقوش گیاهی همانند گل گندم
- ۸- استفاده از نقش گل هفت پر که مخصوص و نشانه ی فلز کاری خراسان است
- ۹- استفاده از نقوش محصور شده، در کادرهای هندسی مشهور به

«طرح های بازو بندی»

۱۰- استفاده از هاله ای دور سر انسان ها با الگوی نقاشی های هم عصر در صحنه هایی که زندگی روزمره و اشخاص را در حالت های مختلف به تصویر کشیده اند. ابزار آلات و وسایل کار و ظروف آشپزخانه و آلات موسیقی مشاهده می گردد. آلات موسیقی که در صحنه های بزمی، بر روی اشیای مختلف در این عصر تصویر شده عبارت است از: چنگ، دایره، نی، عود و... (لک پور، ۱۳۷۵)



تصویر ۶: مشربیه ی بلاکاز با منظره ای از زندگی طبقات اشراف موصل، موصل، ۶۶۲۹ق. (وارد، ۱۳۸۴، ص ۶۶)

کتیبه نویسی

از مهم ترین فنون تزئین در هنر اسلامی که از ابتدا تا عصر حاضر همراه و هم پا با کلیه ی ابداعات و نوآوری های صنعتی و هنری هم چنان اصالت خود را حفظ کرده و در عین تغییر در شیوه های آن همواره باعث آراستگی صنایع اسلامی گردیده، هنر خط و خوشنویسی بوده است. خوشنویسی، در قالب های گوناگون در اکثر هنرها باعث زیبایی و آراستگی آن ها شده و به نحوی علامتی برای صنایع اسلامی در میان هنرمندان و صنعت گران جهان بوده است. در همین راستا مهم ترین راه تشخیص فلز کاری اوایل دوره ی اسلامی از ما قبل آن، همان کتیبه نویسی بر ظروف و ادوات است که در دوره اسلامی به صورت فزاینده ای کار می شده است.

ارنست کونل در کتاب هنر اسلامی در این رابطه می نویسد: «صنعت هیچ کشوری هم چون ایران خط را به این وسعت و عمومیت برای تزئین اشیا، ساختمان های مذهبی و... به کار نبرده است. در میان انواع قالب های خط از آنجا که خط کوفی برای این منظور بسیار مناسب بوده، با حاشیه های مرتبی که ترتیب می داده و قابلیت استفاده بر کلیه ی سطوح، صنعت-گران ایرانی در استعمال این خط منتهای سلیقه و مهارت را به کار برده و سرآمد استفاده از آن بوده اند» (۱۳۶۸، ص ۶۹).

از اوان دوره ی سلجوقی تا اواخر عصر صفوی نقاشان، خطاطان، فلز کاران و شاعران در خلق آثار هنری فلزی با یکدیگر مشارکت داشتند. هنر نقاشی، کتابت، شعر و ترصیع بر روی آثار فلزی در هر نسل، با سبک هایی جدا از یکدیگر، با وقایع زمان در ارتباط و مکمل یکدیگر بوده اند. کتیبه نویسی بر روی اشیای فلزی را باید یکی از

ارکان اصلی هنر فلز کاری ایرانی در عصر سلجوقی به شمار آورد. متن کتیبه ها در این زمان شامل دعا، آیات قرآنی، اندرز، حدیث به خط عربی و اشعار با نوشتار فارسی است (احسانی، همان، ص ۱۸۶-۱۸۹). «در عصر سلجوقیان که هم چنان کتابت عربی با خط کوفی (و ثلث، نسخ) معمول بود، بیشتر کتیبه ها را بر روی ظروف و سایر اشیا با خط کوفی می نوشتند. عبارات برگزیده بر حسب حالت و نوع شیء انتخاب می شد (و کتیبه ها را جایی می نوشتند که در دید باشند مانند لبه ی شیء، به دور گردن شیء، روی پایه یا اگر اشیا دارای در پوش بودند، در قسمت در پوش، یا بر روی شیء). در سبک خراسانی که می خواستند متن دعا را به صورتی پر قدرت و با حرمت بیشتر به بیننده القا کنند، کتیبه ها به خط کوفی بود. متن دعا بر روی این اشیا به مالک بی نام ظرف یا شیء فلزی به صورتی ساده چنین بود: (برکه و یمن و سرور لصاحبه) یا (سلامه و نصر و رحمه لصاحبه). گاهی به جای دعا برای صاحب شیء طلب بخت و اقبال بلند و ثروت و سر نوشت بهتری می کردند و این گونه کتیبه ها بیشتر به خط ثلث یا نسخ بود، مانند (عزه اقبال و دوله و علو رفعه و نصر و...). در این عصر گاهی کلمات را در دعا به طور مجهول و به صورت مسجع، در کتیبه ها با خط کوفی می گذاشتند، مانند (العز الدائم... و الاقبال الزائد... و العمر السالم... و النصر الغالب لصاحبه). در میان کتیبه ها، اندرزها به این سبک و سیاق بود: (العزه و الاقبال و الحلم و القناعه و العلم و العافیه و الراحه لصاحبه).» (احسانی، ۱۳۷۶، صص ۱۸۹-۱۸۶)

کتیبه ها در بسیاری از اشیای عصر سلجوقی با سر انسان و حیوانات به اشکال متفاوتی تزئین شده اند، دیماند در کتاب راهنمای صنایع اسلامی می نویسد: «انتهای حروف و نقوش گیاهی به شکل سر انسان یا بدن حیوان احتمالاً در ایالات خراسان ابتکار شده است» (دیماند، ۱۳۶۵، ص ۱۴۱).

«هنرمند استاد کار، در ارتباط با قالب و شکل، انتخاب مواد و نیز سایر ملاحظات شمایل نگارانه و کتیبه نویسی، دستورهای مفصلی از حامی خود دریافت می کرد. اگر اثر هنری برای یک نفر حاکم تولید می شد، در کتیبه ها از وی ستایش به عمل می آمد و برای او رحمت درخواست می شد، ولی اگر شیء برای یک مسجد ساخته می شد در کتیبه آیه ای قرآنی نقش می بست.» (کونل، ۱۳۷۶، ص ۸۴) در برخی از ظروف با استفاده از خطوط کتیبه ای نام سفارش دهنده، نام ریخته گر، محل ساخت و غیره ذکر شده است که از معروف ترین این اشیا، می توان به آوند بوبرینسکی و سینی آلب ارسلان اشاره کرد. (تصویر ۲)

نتیجه گیری

بررسی شکوه هنری دوران سلجوقی در کلیه ی نواحی حکومتی نشان دهنده ی سیرری رو به تعالی در معماری، تزئینات و صنایع ممتاز مستظرفه است. در این میان ایران به واسطه ی پیشینه ی هنری غنی قبل از سلجوقی و حمایت حاکمان توانست جایگاه ارزشمندی را در هنر این دوران به دست آورد که به واسطه ی آن هنر فلز کاری نیز خصوصاً در ایالاتی همانند خراسان به نحو شایسته ای پیشرفت نمود

تا حدی که شاهکارهای فلزکاری سلجوقی در مشبک کاری، نقش برجسته و ترصیع های فلزی در دوره های بعد هنر ایران تکرار ناپذیر گردد. امروزه به سبب در دسترس بودن اطلاعات موزه ها، مجموعه ها و کتابخانه ها جای خالی مطالعات پایه ای و اساسی به لحاظ ویژگی های هنری و فن شناسی فلزکاری سلجوقی به صورت بسیار محسوسی احساس می شود. این امر می تواند در راستای بررسی علمی و دقیق آثار فلزی جعلی که در بازار عتیقه رو به گسترش است، بسیار کارآمد باشد.

سپاسگزاری

از آنجا که این مقاله، مستخرج از پایان نامه کارشناسی مرمت آثار تاریخی با عنوان «بررسی و مطالعه ی جعل بر روی پایه ی روشنائی برنزی متعلق به موزه ی چهل ستون و مرمت خنجر فلزی» بوده و در دانشکده مرمت دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است، نگارندگان بر خود واجب می دانند از جناب آقایان دکتر فرهنگ مظفر ریاست محترم دانشگاه هنر اصفهان، دکتر صالحی کاخکی ریاست محترم دانشکده مرمت و آقای مهندس حسام اصلانی مدیر گروه وقت سپاسگزاری نمایند.

پی نوشت

۱- احتمالاً منظور نویسنده اجرای تکنیک سیاه قلم بوده است.

۲- محمد حسن، زکی، (۱۳۶۶)

منابع

- احسانی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم
- آیت ... زاده ی شیرازی، باقر، (۱۳۶۲)، بررسی هنر فلزکاری در دوران سلجوقی، فصلنامه ی هنر، شماره ی ۳، بهار و تابستان
- بازوت و دیگران، (۱۳۸۰)، سلجوقیان، ترجمه و تدوین: یعقوب آژند، سلسله ی تاریخ ایران، تهران: مولا، چاپ اول
- پرایس، کریستین، (۱۳۶۴)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه ی مسعود رجب نیا، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دوم
- پوپ، آرتور ایم و دیگران، (۱۳۸۰)، شاهکارهای هنری ایران، اقتباس: پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دوم
- دیماند، س.م، (۱۳۶۵)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه ی عبدالله فریار، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دوم
- سید صدر، ابولقاسم، (۱۳۸۳)، دایره المعارف هنر، تهران: سیمای دانش، چاپ اول
- عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، تهران
- فریه، ر. دبلیو، (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: پژوهش فرزبان روز، چاپ اول
- کاتلی و دیگران، (۱۳۷۶)، هنر سلجوقی و خوارزمی، ترجمه: یعقوب آژند، ج ۸، تهران: مولی، چاپ اول
- کریستی ویلسن، جی، (بی تا)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه: عبدالله

فریار، تهران: فرهنگسرا

- کونل، ارنست، (۱۳۶۸)، هنر اسلامی، ترجمه: مهندس هوشنگ طاهری، مشهد: توس، چاپ سوم
- کونل، ارنست، (۱۳۷۶)، هنر اسلامی، ج ۱، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی، چاپ اول
- لک پور، سیمین، (۱۳۷۵)، سفید روی، تهران: میراث فرهنگی، چاپ اول
- محمد حسن، زکی، (۱۳۶۶)، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه: علی خلیلی، تهران: اقبال، چاپ دوم
- وارد، ریچل، (۱۳۸۴)، فلزکاری اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته فرد، تهران: موسسه ی مطالعات هنر اسلامی، چاپ اول

- Pourhavad, N, general editor (2001), The splendour of iran, volume III-Islamic period: volume III, publication: Booth –Clibborn Editions London
- Tabbaa, Yasser, (1987), Bronze Shapes in Iranian Ceramics of the Twelfth and Thirteenth Centuries Muqarnas, Vol. 4, pp. 98-113, Published by: BRILL Stable

تاریخ مراجعه: ۱۳۸۶/۴/۲۵

- <http://depts.washington.edu>